

الدرس الثاني : ص. ۱۵ : في محضر المعلم(در حضور معلم)

یازدهم مشترک

در زنگ اول دانش آموزان به سخن دبیر شیمی گوش می کردند و در میان آن ها دانش آموز شلوغ کننده بی ادبی بود که با رفتارش به دانش آموزان زیان می رساند. یک بار به پشت روی برمی گرداند (برمی گشت) و با کسی که پشتش بود صحبت می کرد و یک بار هنگامی که معلم روی تخته می نوشت، با کسی که کنارش می نشست آهسته سخن می گفت؛ در زنگ دوم دانش آموز با هدف به لغزش انداختن (به چالش کشیدن) از دبیرزیست پرسش می کرد و در زنگ سوم با یک همکلاسی مانند خود صحبت می کرد و می خندید. معلم او را نصیحت کرد و گفت: هر کس خوب به درس گوش نکند، در امتحان مردود می شود؛ اما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.

مهران در مورد این مشکل فکر کرد. پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و جریان را برایش توضیح داد و گفت: دوست دارم که انشائی با عنوان "در حضور معلم" بنویسم؛ پس معلم با خواسته اش موافقت کرد و به او گفت: اگر کتاب "منیه المُرید" (آرزوی شخص پیرو) از زین الدین عاملی "شهید ثانی" را مطالعه کنی، به تو در نوشت انشایت کمک می کند. سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد. معلم به او گفت: اگر انشایت را در مقابل دانش آموزان بخوانی، هم کلاسی شلوغ گشت (اخلاق گرت) آگاه خواهد شد.

و این قسمتی از متن انشایش است:

.. تعدادی از دانشمندان کتاب هایی را در زمینه های پرورش و آموزش نگاشته اند که بعضی از آن ها مربوط به معلم می شود و بعضی دیگر به یادگیرنده. دانش آموز در حضور معلم آدابی دارد. هر کس به آن ها پایبند باشد موفق می گردد؛ مهمترین شان:

۱. این که از دستورات معلم سرپیچی نکند.
۲. پرهیز از سخنی که در آن بی ادبی باشد.
۳. این که از انجام تکلیف های مدرسه ای فرار نکند.
۴. نخوابیدن در کلاس، وقتی که معلم درس می دهد.
۵. این که وقتی معلم درس می دهد با دیگر دانش آموزان صحبت نکند.
۶. این که سخنی را قطع نکند و در صحبت کردن از او پیشی نگیرد و صبر کند تا از سخن گفتن آسوده شود (یعنی صحبت شام) شود.
۷. نشستن با ادب در مقابلش، گوش کردن به او بادقت، برنگشتن به عقب مگر برای ضرورت.

وقتی دانش آموز شلوغ کن انشاء مهران را شنید خجالت کشید و برای رفتارش در کلاس پشیمان شد.

شاعر مصری احمد شوقي درباره معلم گفت:

برای معلم بلند شو و احترامش را به طور کامل به جاییاور نزدیک بود که معلم پیامبر شود

آیا گرامی تر و گران قدر تر از کسی که جان هایی را می سازد و عقل هایی را می سازد، دانستی؟

- **أَجَلٌ**: گران قدرتر، گرامی تر، بزرگوارتر، اسم تفضیل بروزن **أَفْعَلٌ**، = أشرف، حروف اصلی: ج ل ل
- **اِرتَبَطُ**: ارتباط داشت، حروف اصلی: ر ب ط، ماضی باب افعال
- **اسْتَمَعَ**: گوش فراداد، گوش کرد، حروف اصلی: س م ع ، ماضی باب افعال
- * **تَوْجِهٌ**: سِمْعَ يَسْمَعُ اسْمَعَ سِمْعَ (ثلاثی مجرد) : شنید **اسْتَمَعَ يَسْمَعُ اسْتَمَعَ اسْتَمَاعٌ**(ثلاثی مزید-باب افعال): گوش کردن
- **الْتَّزَمَ**: پاییندشد، متعهد شد، حروف اصلی: ل ز م، ماضی باب افعال
- **الْفَتَّ** إلی...: روی برگداشده، حروف اصلی: ل ف ت، ماضی باب افعال(بدون إلی ترجمه متفاوت می شود.)
- **أَلَّفَ**: نگاشت، تألیف کرد، حروف اصلی: ء ل ف، باب تفعیل: **أَلَّفَ يُؤْلِفُ أَلَّفُ تَأْلِيفٍ** / *با "نوشت" فرق دارد. نوشته: **أَلَّفَ**
- **أَنْشَأَ**: ساخت ، پدیدآورده، = بنی، حروف اصلی: ن ش ء، ماضی باب إفعال: **أَنْشَأَ يُنْشِئُ أَنْشِئَ إِنْشَاءً**
- **تَبَجِيلٌ**: بزرگداشت، گرامیداشت، احترام، = تکریم، إکرام، احترام/ حروف اصلی: ب ج ل
- **تَعْنَتٌ**: مصدر باب ت فعل از حروف اصلی ع ن ت
- **تَنَبَّهَ** : آگاه شد، آگاهی پیدا کرد ؛ حروف اصلی: ن ب ه، باب ت فعل : **تَنَبَّهَ يَتَنَبَّهُ تَنَبَّهَ تَنَبَّهَ**
- **نَبَّهَ**: آگاه کرد، آگاهی داد؛ حروف اصلی: ن ب ه، باب تفعیل : **نَبَّهَ يُنَبَّهُ نَبَّهَ تَنَبَّهَ**
- **حِصَّةٌ**: زنگ درسی، جلسه ای درسی. (با خود زنگ صدادار فرق دارد.)
- **خَجِلٌ**: شرمnde شد، خجالت کشید
- **سَبَقَ**: پیشی گرفت، سبقت گرفت
- **سَبُورَةٌ**: تخته سیاه = آوحة
- **سُلُوكٌ**: رفتار، کردار. مفرد است. ***تَوْجِهٌ**: وزن فُعول در دوجا دیده می شود: ۱. بعضی کلمات مفرد. ۲. بعضی از جمع های مکسر، مانند حدود، فنون، علوم و ..
- **ضَرَّ**: زیان رساند، ضرر زد. حروف اصلی: ض ر ر، ثلاثی مجرد است.
- **خَسِرَ**: زیان دید، ضرر کرد
- **عَصَى**: سریچی کرد، نافرمانی کرد، ثلاثی مجرد است. عَصَى يَعْصِي مصدر: عصیان
- **فَكَرَ**: اندیشید، فکر کرد. = **تَفَكَّرَ**
- **فَكَرَ ثَلَاثَيْ مَزِيدٍ وَّ اِزْبَابٍ تَفْعِيلٌ** است: **فَكَرَ يُفَكِّرُ فَكَرٌ تَفَكِيرٌ**
- **تَفَكَّرَ ثَلَاثَيْ مَزِيدٍ وَّ اِزْبَابٍ تَفْعِيلٌ** است: **تَفَكَّرَ يَتَفَكَّرُ تَفَكَّرٌ تَفَكِيرٌ**
- **فُمٌ**: برخیز، بلندشو، متضاد **إِجْلِسٌ**، حروف اصلی: ق و م قام يَقُومُ قُمْ مصدر: قیام
- **كَادَ**: نزدیک بود که .. ، حروف اصلی: ك ي د كاد يَكَادُ این فعل هیچ گاه به تنها یی به کار نمی رود و همیشه با یک فعل مضارع همراه است. ***تَوْجِهٌ**: با کان اشتباه نشود.
- **مَجَالٌ**: زمینه، عرصه، میدان(میدانی که به معنی عرصه و .. باشد). = ساحة، میدان اسم مکان است.(در اصل: مَجْوَل بوده)
- این کلمه جمع سالم دارد: **مَجَالَاتٌ**

-**مشاغب**: شلوغ کننده، اخلال گر، شلوغ کن، حروف اصلی: ش غ ب، اسم فاعل از باب مفأعلة است: شاغب يُشَاغِبُ شاغب مشاعبة
-**واقف**: موافقت کرد، حروف اصلی: و ف ق، ماضی باب مفأعلة: وافق يُوَافِقُ وافق موافقة (مصدر دوم: وفاق)
-**همس**: آهسته سخن گفت، پچ پچ کرد

ص. ۱۵: درک مطلب:

- مطابق متن درس، پاسخی کوتاه بنویس:
۱. مهران به سمت (نژد) چه کسی رفت؟ إلى معلم الأدب الفارسي.
 ۲. چطور باید جلوی معلم نشست؟ بِأَدْبٍ.
 ۴. اخلاق دانش آموزی که به عقب برمنی گشت، چگونه بود؟ هو کان مُشاغِبًا قليل الأدب يَضُرُّ الطَّلَابَ بسلوکه.
 ۵. نام کتابی که مهران در زمینه‌ی پرورش و آموزش آن را خواند چه بود؟ مُنْيَةُ الْمُرِيدِ.
 ۶. در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش می‌کردند؟ في الحصة الأولى.

ص. ۱۶: التمرین الأول:

براساس حقیقت، جمله‌ی درست و نادرست را مشخص کن:

۱. به لغش انداختن (به چالش کشیدن) طرح کردن سؤالی سخت با هدف ایجاد سختی برای فرد سؤال شونده است. درست
۲. زیست شناسی دانش مطالعه‌ی ویژگی‌های مواد (عنصرها) است. نادرست
۳. روی برگ‌داندن همان سخن پنهانی بین دو نفر است. نادرست
۴. تخته سیاه تابلویی در مقابل دانش آموزان است که روی آن نوشته می‌شود. درست

صفحه‌ی ۱۷: نکات متن

- اقرأ: فعل امر (فاعل آن ضمير پنهان أنت)

- رب: مبتداء، ك: مضاف إليه، الأكرم: خبر (از نوع اسم)

- علم: فعل (فاعل آن ضمير پنهان هو)، بالقلم: جار و مجرور

: ص. ۱۸

- الأولى: صفت حصة، بين: قيد مكان، هم: مضاف إليه، تارةً: قيد زمان

*توجّه: قيدهای مکان و زمان کلمات مشخصی هستند که بر مکان یا زمان دلالت دارند. بعضی از این قيدها مختص مکان و

بعضی مختص زمانند، بعضی هم مشترکند و باید از سیاق جمله متوجه شد. این کلمات اسم هستند، بنابراین اگر بعد از آن‌ها اسمی بیاید، آن اسم مضاف‌الیه محسوب می‌گردد. مانند: قبل، بعد، أمام، خلف، فوق، تحت، بین، جانب، حول، مع، تاره، فجاه و ..

*نکته: اگر همین قیدهای مکان و زمان بعد از حرف جر بیایند، مجرور به حرف جرنده. مانند: وقف علیّ أمام المدرسة (علی مقابله مدرسه ایستاد)، أمام: قید مکان، المدرسة: مضاف‌الیه. لاتَّلَفَتْ إِلَى الْوَرَاءِ يَا طَالِبٌ! (دانش آموز، به عقب برنگرد!)، الوراء: مجرور به حرف جر.

-سطر ۷: یسائل: فعل، معلم: مفعول، علم: مضاف‌الیه، الأحياء: مضاف‌الیه

-سطر ۸: نصح: فعل، ۵: مفعول، المعلم: فاعل

-سطر ۹: فکر: فعل، مهران: فاعل، حول: قید مکان، هذه: مضاف‌الیه، المشكّلة: نخوانده و نمی‌خوانیم و نخواهیم خواند!!!!!!

-سطر ۱۰: الفارسي: صفت برای الأدب

-سطر ۱۱: إنشاءً: مفعول أكتب، تحت: قید مکان، عنوان: مضاف‌الیه

: ۱۹

-سطر ۱۲: يرتبط: مربوط به درس ۴

-سطر ۱۳: الأخرى: معطوف به بعض، للطالب: جار و مجرور و خبر مقدم، في محضر: جار و مجرور، المعلم: مضاف‌الیه، آداب: مبتدأ مؤخّر

-سطر ۱۴: أوامر: مفعول

-سطر ۱۵: أن لا يهرب: فعل، من أداء: جار و مجرور، الواجبات: مضاف‌الیه، المدرسية: صفت واجبات (تكاليف مدرسه ای)

*نکته: الواجبات المدرسية: تکاليف مدرسه ای (المدرسية: صفت) / واجبات المدرسة: تکاليف مدرسه (المدرسة: مضاف‌الیه)

-سطر ۱۶: عندما: قید زمان

-سطر ۱۷: أن لا يقطع: مربوط به درس ۵ ، لا يسبق: معطوف به لا يقطع، يصبر: معطوف به لا يقطع

-سطر ۱۸: ما: قید زمان

-سطر ۱۹: قال: فعل، الشاعر: فاعل، المصري: صفت، أحمد: بدل از شاعر، شوقي: بدل از أحمد، عن: حرف جر، المعلم: مجرور به حرف جر

-سطر ۲۰: قم: فعل امر و فاعل آن ضمیر مستتر (پنهان) أنت، للمعلم: جار و مجرور

-سطر ۱۳ : وَفْ: فعل امر و فاعل آن ضمیر مستتر(پنهان) أنت، هـ: مفعول اول، التبجيـل: مفعول دوم(الف به جهـت وزـن است).

-سطر ۱۴ : رسولاً: رسولاً

-سـطر ۱۴ : أـ: حـرف استـفهام(پرسـشـی)، عـلمـتـ: فعل و فـاعـلـ آـنـ ضـمـيرـ تـ، أـشـرـفـ: مـفـعـولـ، أـوـ: حـرفـ عـطـفـ، أـجـلـ: معـطـوـفـ بهـ أـشـرـفـ، مـنـ الذـيـ: جـارـوـمـجـرـورـ، يـبـيـنـيـ: فعل و فـاعـلـ آـنـ ضـمـيرـ مـسـتـتـرـ(پـنهـانـ)ـ هوـ، يـُـنـشـئـ: فعل و فـاعـلـ آـنـ ضـمـيرـ مـسـتـتـرـ(پـنهـانـ)ـ هوـ آـنـفـسـاـًـ: مـفـعـولـ بـرـايـ يـبـيـنـيـ، عـقـوـلـاـًـ: مـفـعـولـ بـرـايـ يـُـنـشـئـ //ـ اـيـنـ جـاـ بهـ جـهـتـ آـرـايـهـ يـادـبـیـ لـفـ وـ نـشـ، كـلـمـاتـ جـاـبـهـ جـاـشـدـهـ اـنـ وـ عـقـوـلـاـًـ معـطـوـفـ نـيـسـتـ.

والسلام

حـقـيقـيـ